

نوشته دکتر صدرزاده افشار

استادیار آئین دادرسی مدنی

قاضی تحقیق و نقش او در دادرسی مدنی در حقوق فرانسه

در آغاز هر دعوائی این پرسش بنظر میآید: آیا اختیار دادرسی بیشتر با اصحاب دعوی است یا با دادگاه؟ یعنی ابتکار عملیات باید در دست متداعیین باشد یا درست قاضی؟ اگر اختیار دادرسی بیشتر در دست اصحاب دعوی باشد ممکن است کشمکش و اختلاف میان آنها بطول انجامد و دعوی از نظم و ترتیب خارج و اطاله دادرسی فراهم شود. اگر اختیار دادرسی مطلقاً در دست قاضی باشد، دعوی میتواند زودتر فیصله یابد ولی امکان دارد که همین سرعت عمل سبب تضییع حقوق اصحاب دعوی شود، از اینرو در دادرسی دو طریقه بوجود آمده است:

۱- طریقه اتهامی:

این طریقه ناشی از اصل اولویت نقش اصحاب دعوی (۱) با اصل اختیار اصحاب دعوی در دادرسی مدنی (۲) است که همان طریقه اتهامی (۳) فرانسوی بوده و از دیر زمانی در دادرسی مدنی و کیفری معمول شده است. در این طریقه خواهان دعوی خود را در دادگاه مطرح میکند و صدور حکم را بنفع خویش در خواست می نماید، حقوق او در برابر خوانده بخوبی حفظ و تامین میشود چه خوانده اصولاً فردی همانند خواهان بوده و بر او برتری ندارد ولی این طریقه متضمن این عیب است که برای تحقیق و دفاع از حقوق اصحاب دعوی ناقص میباشد زیرا آنان غالباً "باندازه" قاضی اطلاعات کافی در مسائل قضائی ندارند و

1. Systeme du debat.
2. Vehrhandlungsmaxime.
3. Procedure accusatoire.

وباین ترتیب سمت دادرسی، بعنوان قاضی تعقیب قبلا" تعیین نمیشد و برای هر پرونده بطور اختصاصی معین میشد چنانکه قاضی نامبرده عذر موجهی داشت آنرا بر رئیس میگفت و از او در خواست میکرد، قاضی دیگری بجای وی معین کند. اما تصویبنامه ۱۹۶۵ (ماده ۷۷) مصلحت دید که پاره ای از قضات را قبلا" برای تعقیب و تحقیق معین کنند باین ترتیب که در اول هر سال رئیس دادگاه شهرستان با کسب نظر دادستان عده ای از قضات دادگاه را بعنوان قاضی تعقیب معین میکند، رئیس دادگاه میتواند شخصا " نیز امر تحقیق رابعهده گیرد (۱۳). این تحول با توجه بمزایائی که داشته است (زیرا عده ای از قضات را در امر تحقیق متخصص میکند) بوسیله تصویبنامه ۱۹۷۱ نیز تایید شد. اما قاضی نامبرده در صورتی میتواند ماموریت خود را بخوبی انجام دهد که بقدر کافی کارمند و وسایل در اختیار داشته باشد و میزان پرونده های ارجاع شده باو نیز بیشتر از اندازه (معمولاً ۲۰۰ الی ۳۵۰ پرونده در سال) نباشد.

گرددش کار از اینقرار است؛ همینکه پرونده امر وارد دفتر دادگاه شد و بثبت رسید تقدیم دادگاه میشود، رئیس دادگاه نیز با تعیین وقت وکلای طرفین را دعوت میکند تا با کسب نظر آنان ببینند پرونده برای طرح در دادگاه آماده است یا احتیاج به تحقیقات مقدماتی دارد، در صورت اخیر آنرا یکی از قضات ارجاع میکند. در اینجا باید متذکر شد که طبع پاره ای از دعاوی طوری است که نیاز به تحقیقات مقدماتی ندارد، مثلاً " موضوع آن ساده بوده یا مستلزم رسیدگی فوری است مانند اختلافات خانوادگی، تعیین قیم وامور فوری مگر اینکه در ضمن رسیدگی در دادگاه، مسائلی مطرح شود که مستلزم تحقیقات مقدماتی باشد یا یکی از طواری دادرسی در آن بروز کند مثلاً " شخص ثالثی در-خواستی تسلیم نماید.

اختیارات قاضی تحقیق

اختیارات قاضی تحقیق همان اختیارات قاضی تعقیب است که تا اندازه ای توسعه یافته و موارد آن مشخص و معین شده است. این اختیارات بطور کلی عبارتند از:

13. Civ, 20, 10 Juill 1969 J.C.P 1969 – IV – 233.

- ۱- قاضی تحقیق در حسن جریان دادرسی مراقبت میکند، او میتواند بطرفین مهلت های لازم را بدهد و برای تحقیق در دعوی اقدامات حقیقی معمول دارد.
 - ۲- قاضی تحقیق میتواند با موری که طرفین استناد نکرده اند توجه کرده و آنها را بعنوان دلیل تلقی کند.
 - ۳- قاضی تحقیق میتواند طرفین را برای اخذ توضیحات لازم در امور حکمی و موضوعی احضار کند.
 - ۴- قاضی تحقیق میتواند راساً " یعنی بدون درخواست طرفین تحقیقات لازم را انجام دهد.
 - ۵- طرفین مکلفند در تحقیقات با قاضی همکاری کنند و او میتواند نتیجه امتناع هر یک از آنانرا بنفع دیگری بحساب بیاورد.
 - ۶- اگر یکی از طرفین دلیلی بنفع طرف دیگر داشته باشد قاضی بدرخواست طرف ذینفع میتواند او را مجبور به ارائه آن کند (۱۴) و اگر دلیل نزد اشخاص ثالث باشد قاضی میتواند آنرا بخواند (۱۵).
 - ۷- قاضی تحقیق میتواند هر وقت که مقتضیات کار ایجاب کند، طرفین را برای تکلیف سازش دعوت نماید.
- باین ترتیب می بینیم که اصول دادرسی بدون اینکه از حد معینی تجاوز کند از طریقه‌های مسوی طریقه‌تفیشی گرایش پیدا کرده است تا خدا این طریقه‌مختلط موجب طرح مسائل مختلف شده که تفاسیر گوناگونی از آنها بعمل آمده است. با بررسی متن تصویبنامه ۱۹۷۱ که تصویبنامه های ۱۹۳۵، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۷ را نسخ کرده بخوبی میتوان فهمید که اصول کلی آنها یکی بوده ولی مواد تصویبنامه ۱۹۷۱ بیشتر از تصویبنامه های قبلی بوده و در عین حال عبارات آن صریح و روشن است. بهمین جهت تکلیف قاضی را کاملاً معلوم میسازد. باید گفت این تحول سبب تقویت موقعیت قاضی تحقیق شده و چنانکه خواهیم دید برخی از اختیارات او را بصورت انحصاری در آورده است حتی میتوان تصور کرد که قاضی مذکور بصورت یک مرجع قضائی مستقل در آمده است و دیگر مامور دادگاه نیست. امکان شکایت از قرار های وی بخوبی تحول مذکور را که بعد اعلامی خود رسیده است نشان

۱۴- بمواد ۳۰۲ و ۳۰۴ قانون آئین دادرسی مدنی مراجعه فرمائید.

۱۵- بمواد ۳۰۷ و ۳۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی مراجعه فرمائید.

میدهد (۱۶). در این باره ماده ۳۵ تصویبنامه ۹ سپتامبر ۱۹۷۱ چنین بیان میدارد:

"دعوی تحت مراقبت یکی از قضات تحقیق که رسیدگی با و ارجاع شده است، بررسی میشود. او مکلف است در حسن جریان کار بویژه تبادل لوایح و درخواستهای طرفین نظارت کند. او میتواند مدافعات وکلای طرفین را استماع نماید و بدرخواست های آنان پاسخ دهد و در صورت لزوم قرارهای مقتضی صادر کند (۱۷). اگر یکی از اصحاب دعوی بخواهد اطاله دادرسی را فراهم کند او باید از آن جلوگیری نماید (۱۸) و در حسن جریان آن با حضور وکلای طرفین مراقبت کند. اما تصویبنامه از این هم جلوتر رفته و نه تنها میخواهد که قاضی در اجرای وظیفه خود مراقبت نماید، بلکه در اجرای بهتر امر قضاوت نیز شرکت موثر داشته باشد. استفاد از دانش خود بقاضی اجازه میدهد که امور موضوعی و حکمی دعوی را بخوبی بررسی کند و پس از اینکه تحقیقات پرونده کامل شد قرار ختم آنرا صادر مینماید (۱۹). ولی، با صدور این قرار از رسیدگی بدعوی فارغ نشده و پرونده تا تشکیل جلسه دادگاه در اختیار او میماند و دیگر مانند سابق بعضو ممیز ارجاع نمیشود مگر در موارد استثنائی که خواهد آمد (بند ۳ ماده ۴۶ تصویبنامه ۱۹۷۱). قرار ختم تحقیقات قابل شکایت نیست و پس از صدور رونوشت آن وسیله مدیر دفتر دادگاه بوکلای طرفین ابلاغ میشود. قاضی تحقیق وقت دادرسی در دادگاه را تعیین و وکلای طرفین را دعوت میکند. این وقت نباید فاصله زیادی از صدور قرار ختم تحقیقات داشته و در عمل از پانزده روز تجاوز نکند. ممکنست قاضی تحقیق انجام این کار را بنظر رئیس دادگاه واگذار کند در اینصورت مشارالیه با کسب نظر وکلای طرفین آنرا تعیین میکند، در هر حال قاضی تحقیق پرونده را بدفتر دادگاه میفرستد. قرار ختم تحقیقات اعتبار قانونی دارد و پس از صدور آن هیچگونه درخواستی از طرفین پذیرفته نمیشود مگر دادخواست ورود ثالث، ادعای مال الاحاره، اقساط بدهی، منافع پول که موعد آن رسیده باشد و سایر متفرعات دعوی از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان تحقیقات تعلق گرفته و اصل آن مورد اختلاف نباشد. تا تشکیل جلسه دادگاه

۱۶ - در این باره مراجعه فرمائید :

Jean, VINCENT: Procclure civile 1976 N 454 p. 598.

17. Travaux du Vile Colloque des instituts d'Eludes judieiaires, Ann Fac. Droit, Lyon, 1970, II.
18. GIVERDON, JURISCL. Proc. Civ., fasc 227, 228 ets.

چنانکه متداعیین در خواستها و لویح خود را بقاضی تحقیق نفرستند ، او قرار ابطال دادخواست را صادر میکند این قرار قابل شکایت نیست .

قرار ختم تحقیقات یکی از مهمترین نکات تحول دادرسی است چه این قرار اجازه میدهد که دادرسی در دادگاه با دلائل کافی و در محیطی آرام و بدون تشنج صورت گیرد زیرا در جلسه دادرسی هیچگونه دلیلی از طرفین پذیرفته نمیشود . اینک ما اختیارات قاضی تحقیق را بررسی میکنیم .

۱- تکلیف سازش بطرفین :

قاضی تحقیق میتواند در طول دادرسی از اول تا آخر آن ، هر وقت که موجبات سازش را فراهم دید طرفین را یا وکلای آنان را برای سازش دعوت کند . در صورت وقوع سازش ، صورت مجلس آنرا تنظیم میکند ، مفاد این صورت مجلس بدون صدور حکم دادگاه ، لازم الاجراست .

۲- مراقبت کامل در حسن جریان دادرسی :

این امر مأموریت اصلی قاضی تحقیق و هدف اساسی تصویبنامه ۱۹۶۵ میباشد که از ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۷۲ نیز در حوزه قضائی کلیه دادگاههای استان اجرا شده است . این قاضی تحقیقات را بطور کامل انجام میدهد تا پرونده امر مستعد صدور رای و ارسال بدادگاه باشد ، او در تحقیقات مراقبت و نظارت میکند ، لویح را میان طرفین دعوی مبادله مینماید و باظهارات وکلای مدافع گوش داده و بآنان تذکرات لازم را میدهد ، او میتواند اظهارات اصحاب دعوی را مستقیماً " ولی با حضور وکلای آنان استماع کند . قانون برای رعایت آزادی دفاع مقرر میدارد که جلسه نامبرده باید با دعوت قبلی و حضور طرفین تشکیل شود مگر اینکه یکی از آنان حاضر نشده باشد . قاضی تحقیق وقت رسیدگی را با توافق وکلای طرفین معین میکند و در صورت لزوم میتواند آنرا تجدید نماید . در تعیین وقت ، نوع ، کیفیت و فوریت کار را در نظر میگیرد . در صورتیکه در خواستهای متداعیین ناقص یا مبهم باشد قاضی تحقیق میتواند آنانرا برای اخذ توضیح دعوت نماید و چنانکه بروئت ساده رونوشت یا فتوکپی اسناد اکتفاء نکند میتواند اصول آنها را مطالبه و ملاحظه نماید . اگر مستندات یکی از طرفین نزد دیگری یا شخص ثالثی باشد قاضی میتواند آنرا از

اومطالبه و حتی مجبور بارائه آن کند مثلا" با و تذکر بدهد که در صورت داری از ابراز آن قرینه صحت ادعای طرف محسوب خواهد شد (۲۰). مگر اینکه نامبرده برای عدم ارائه آن عذر موجهی داشته باشد. چنانکه می بینیم در اینجا قاضی تحقیق از طریقه اتهامی بطریقه تفیشی نزدیک میشود. اجبار طرف بارائه سند کار قاضی را تسهیل میکند و بدینوسله او میتواند از حقیقت دعوی اطلاع کامل بدست آورد و کار دادگاه را آسان کند.

۳- اظهار نظر در باره ایرادات و درخواستهای طاری

تصویبنامه ۱۹۳۵ بمنظور سادگی و سرعت دادرسی بقاضی تعقیب اجازه میداد که در باره برخی ایرادات و درخواستهای طاری شخصا اظهار نظر کند ولی موارد آن بسیار کم بود. این مواد عبارت بود از: ایرادات مربوط به تبادل لوایح و تامین خواسته و درخواست تعیین نفقه در دعوی طلاق و تفرقه ابدان. اما تصویبنامه های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ موارد دخالت قاضی را در این موارد توسعه داده و آنرا مشخص ساخته است. این موارد عبارت بود از:

الف: قاضی تحقیق میتواند بدرخواست طرف دعوی، نسبت بایرادات مربوط به شرایط دادخواست (۲۱) و ایرادات مربوط باطاله دادرسی (۲۲) شخصا اظهار نظر نماید مثلا" در صورتیکه ادعای مدعی علیه در مقابل دعوی مدعی متقابل نباشد و برای اطلاع دادرسی اقامه شود، بآن علیحده رسیدگی میکند اما در صورت ایسرا دبصلاحتیت دادگاه، دیگر قاضی تحقیق نمیتواند اظهار نظر کند باید پرونده را پیش از صدور قرار

۲۰- با مواد ۲۹۹ و بعد قانون آئین دادرسی مدنی ایران مقایسه شود.

21. Rev. trim. 1967. 204. obs HEBRAUD, 294, obs RAYNAUD.

22. Judg de mise etal, Nimes, 6 dec. 1967 J.E.P. 1968, II, 19. 337. N.J.A.

ختم تحقیقات بنظر رئیس دادگاه برساند (۲۳) .

ب: در دعاوی طاری، سابقاً "قاضی تعقیب دادرسی" میتواند در صورت اقامه دعوی طلاق یا تفرقه ابدان تنها تقاضای مطالبه نفقه را بعنوان دعوی طاری قبول کند اما اکنون قاضی تحقیق میتواند در باره کلیه تصمیمات موقتی (۲۴) که در ضمن که دعوی نامبرده مطرح میشود، اظهار نظر نماید (۲۵) و چنانکه قبلاً نیز تصمیمی گرفته شده باشد آنرا اصلاح یا تکمیل کند با اضافه در مسئولیت مدنی اگر ورود خسارت مورد اختلاف نباشد یا بموجب حکم دادگاه محرز شده باشد، قاضی تحقیق میتواند دستور موقت با استرداد خسارت صادر کند .

در صورت ترک دعوی، قاضی تحقیق میتواند قرار سقوط دعوی را صادر کند و بدون فرستادن پرونده بدادگاه، دعوی را پایان بدهد و نیز در صورت تسلیم دادخواست ورودی جلب ثالث میتواند بمتداعیین مهلتی بدهد تا دلائل و مستندات خود را حاضر کنند .

23. Trib. gr. inst, toulon 30 Nov 1966, 1967. 294 Note CIVERDON.

۲۴ - تصمیمات موقت (Mesures provisoires) تصمیماتی هستند که قاضی تحقیق در دعوی طلاق یا تفرقه ابدان میگیرد باین معنی که اگر زن و شوهری برای طلاق و تفرقه ابدان توافق کنند، و ترتیب اطمینان بخشی برای نگاهداری اطفال و پرداخت هزینه آنان، محل سکای زن در طی دادرسی، استرداد اموال شخصی او، حق ملاقات ابوی، میزان نفقه و غیره پیش بینی نکرده باشند قاضی در مورد آنها تصمیم موقتی میگیرد که با قرار اجرای موقت اجرا شده و دادگاه نیز ضمن صدور حکم میتواند آنها را اصلاح یا تکمیل کند .

Paris, 22 Oct. 1974, J.E.P. 1975, II. 18 180 note ASSOULINE

۴- اختیار صدور برخی قرار های تحقیق :

سابقاً "اگر تحقیق در امری لازم میشد دادگاه قرار مقتضی (قرار باز حوئی از گواهان، قرار معاینه محلی و غیره...) صادر میکرد و اجرای آنرا خود بعهده میگرفت یا بدادرس علی البدل واگذار میکرد ولی تصویبنامه ۱۹۳۵ برای سرعت کار این اختیار را بقاضی تعقیب واگذار کرد (۲۶). این اصلاح بسیار مفید واقع شد حتی پس از قانون ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۴ و ۲۳ دسامبر ۱۹۵۸ راجع باصلاح نحوه تحقیقات، قاضی تعقیب میتواند "را سا" و بدون درخواست طرفین قرار های تحقیقاتی صادر کند. اختیار او در این مورد باندازه اختیار دادگاه بود زیرا میتواند قرار های نامبرده را در هر دعوائی و بهر میرایی که باشد صادر کند. اما اعتبار این قرارها تا حدی محدود بود و نمیتوانست باصل دعوی اخلال کند و این نکته را مولفین بانواع مختلف تعبیر میکردند برخی قرار های نامبرده را مانند قرار های اعدادی ساده تلقی مینمودند که برخلاف قرار های قرینه نمیتوانست باعث امیدواری اصحاب دعوی صدور حکم بنفع آنان شود و عدول از آن نیز جایز بود.

اما تصور میرودمباستبر آن بود که میگفتند قرار های نامبرده موقتی و اعتبار آنها نیز محدوده بوده و دادگاه را ملزم نمیکند، دادگاه در رد یا قبول آن آزاد است (۲۷). تصویبنامه ۱۹۶۵ برخلاف تصویبنامه ۱۹۳۵ بقاضی تحقیق اجازه نداد تا بتواند کلیه قرار های تحقیقاتی را صادر کند، بلکه تنها اجازه داد که قرار تحقیقات محلی و قرار ارجاع امر بیک شناس (جز در مورد ادعای جعل و تکذیب که رسیدگی بآن در اختیار دادگاه است) و قرار معاینه محلی را صادر کند. قاضی تحقیق میتواند قرار تحقیقات محلی را شخصاً " نیز اجرا کند یا در صورت عذر موجه آنرا بنیابت قضائی بدادگاه یا قاضی دیگری واگذار کند. صدور برخی از قرارها مربوط بارله اثبات دعوی از قبیل رسیدگی باصالت سد در مورد ادعای جعل و تکذیب یا قرار استماع سوگند منحصراً " در صلاحیت دادگاه بود و قاضی تحقیق اختیار صدور آنرا ندارد و در صورت طرح آن نیز باید پرونده را بنظر ریاست دادگاه برساند، چنانکه

26. Jeans VINCENT Op. cit. 456 fis p. 604.

27. CIVERDON. op. cit Juriscp. Fasc. B, No. 80,111, 112.

دادگاه‌قراری در این باره صادر کند، میتواند اجرای آنرا بعهده قاضی تحقیق واگذار کند. اینرا نیز باید گفت تصویبنامه محدودیت اعتبار قرارهای تحقیقاتی قاضی تحقیق را نسخ کرد، از آن پس قرارهای نامبرده میتواند باصل دعوی اخلال کند و از این جهت قرارهای او مانند قرار دادگاه میماند و دادگاه ملزم بقبول آنهاست مگر اینکه تحقیقات ناقص باشد که در خواست تکمیل آنرا میکند.

۵- قاضی تحقیق باید پیش از تشکیل دادگاه، نتیجه تحقیقات را گزارش دهد

در زمان تصویبنامه ۱۹۳۵، قاضی تعقیب مکلف بود تا روز تشکیل جلسه دادگاه گزارشی در باره جریان تحقیقات پرونده تهیه و تسلیم دادگاه کند (۲۸) ولی بتدریج دیدند که برخلاف اینکار عمداً در بیشتر موارد گزارش نمیدادند و وقتی هم که گزارش میدادند، قضاات دادگاه نظرهای مختلف و متضادی در باره آن اظهار مینمودند. باین جهت تصویبنامه ۱۹۷۱، دادن گزارش را اختیاری کرد و اکنون در صورت لزوم رئیس دادگاه یا خود گزارش تهیه میکند یا از قاضی تحقیق در خواست میکند که گزارش تهیه کند و گاهی انجام آنرا بیکی از قضاات دیگر واگذار میکند. در گزارش باید خواسته دعوی، دلائل طرفین، کلیه مسائل حکمی و موضوعی و علل و جهات دعوی ذکر شود. این گزارش در جلسه علنی دادگاه قرائت و گزارش دهنده (که عضو میز نامیده میشود) نظر و عقیده خود را در باره دعوی در آن ذکر نمیکند. پس از بیان اختیارات قاضی تحقیق بهتر است حدود صلاحیت او را نیز بگوئیم.

حدود صلاحیت قاضی تحقیق

۱- مواردی که اختیارات قاضی تحقیق انحصاری نیست:

اصلاحاتی که در دادرسی مدنی بعمل آمده است آنرا نیز مانند دادرسی کیفری بدو مرحله متمایز تقسیم کرده است: مرحله تحقیق و مرحله صدور حکم. تصور نمیرود این

ترتیب برخلاف اصل وحدت دادرسی مدنی (۲۹) باشد. دعوی در دادگاه وسیله قضاوت بررسی میشود. قاضی تحقیق مانند قاضی تعقیب نوعی بازپرس امور مدنی نیست، زیرا اختیارات او در برخی موارد بموجب تصویبنامه های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۷، انحصاری بوده و دادگاه نیز نمیتواند آنرا انجام دهد، در صورتیکه در امور کیفری، دادگاه میتواند در کلیه موارد جانشین بازپرس شود. همچنین در برخی موارد تحقیقاتی که اصولاً داخل در صلاحیت قاضی تحقیق است، نامبرده نمیتواند دخالت کند و اظهار نظر در آن مطلقاً در اختیار دادگاه است مانند اظهار نظر در باره ایراد صلاحیت یا صدور قرار اینان سوگند، از اینرو قاضی مامور تحقیق را میتوان بدادرس امور فوری تشبیه کرد

قاضی تحقیق وقتی شروع بکار میکند که پرونده در دفتر ثبت و با وارجاع شود و وقتی پایان میگیرد که قرار ختم تحقیقات صادر شود که پس از آن اصولاً رئیس دادگاه قاضی نامبرده یا یکی دیگر از قضات را برای تهیه گزارش بعنوان عضو ممیز انتخاب میکند. باین ترتیب ما در برابر مرحله ای از دادرسی قرار میگیریم که کاملاً مستقل و مجزا از دادرسی دادگاه نمیشود. از اینرو گر چه اختیارات قاضی تحقیق معین و شخص است ولی نامبرده وابسته بدادگاه میباشد. در این باره قانونگذار سعی کرده که وضع و موقعیت او را کاملاً مشخص سازد ولی باز هم نتوانسته است آن را کاملاً روشن کند (۳۰)، مثلاً در مورد قرار های قاضی تحقیق که قابل شکایت در ضمن حکم هستند میتوان گفت که مرحله تحقیق مرحله مستقلی از دادرسی است (۳۱).

اختیارات قاضی تحقیق در برخی موارد انحصاری است

از این حیث تصویبنامه ۹ سپتامبر ۱۹۷۱ موقعیت قاضی تحقیق را بیشتر از سابق مشخص میسازد.

29. GIVERDON, op. cit Juriscl. Fasc. B. Nos. 80, 111, 112.

30. Trib. gr. inst, Marseille, 17 mai 1966, Trib. gr. inst. Caen. 23. Jeanv. 1968, D. 1968. 371, note CIVERDOM, J.C. p. 7968. 11. 15363 bis, obs. J.A.

31. HEBRAUD, obs. Rev. trim. 1967. 206.

قاضی تحقیق در موارد معین در قانون (ماده ۴۱) (ایرادات، تصمیمات موقتی و قرارهای تحقیقاتی) اختیارات انحصاری دارد (۳۲). اما وقتیکه مبادرت بتکلیف سازش، صدور قرار سقوط دعوی، صدور قرار انضمام دویاچند پرونده میکند، اختیارات او انحصاری نیست و دادگاه نیز میتواند آنها را انجام دهد. واگذاری اختیارات انحصاری بقاضی تحقیق یکی از مشخصات تصویبنامه ۱۹۷۱ میباشد و میتوان گفت که این تصویبنامه خواسته مرحله تحقیق را بیک مرحله مستقلی تبدیل کند که در پاره ای موارد اختیارات قاضی انحصاری باشد (۳۳) حتی عضو ممیز را نیز در بیشتر موارد حذف کرده است پیش از آن قاضی تحقیق پس از صدور قرار ختم تحقیقات از رسیدگی فارغ میشد (۳۴) و پرونده را در اختیار عضو ممیز گذاشت تا گزارش کار را تهیه کند ولی بموجب تصویبنامه ۱۹۷۱ گر چه قاضی تحقیق قرار ختم تحقیقات را در جلسه اداری صادر می کند ولی با صدور آن از رسیدگی فارغ نشده و تا تشکیل جلسه دادگاه مشغول میماند. بهمین جهت اگر پس از صدور ختم تحقیقات و پیش از تشکیل دادگاه یکی از طوادی بروز کند باید بآن رسیدگی کند. تحولی که در این جهت صورت گرفته است نه تنها بقاضی تحقیق اختیاراتی بموازات اختیار دادگاه میدهد بلکه در برخی موارد مهم نیز (ایرادات، تصمیمات موقتی، قرارهای تحقیقاتی) اختیارات انحصاری بوی واگذار میکند. واگذاری این اختیارات انحصاری بقاضی تحقیق لازم بوده ولی مانع از تشبیه او ببازپرس امور کیفری میشود. از اینرو نمیتوان گفت که مرحله تحقیق مرحله مستقلی از دادرسی را تشکیل میدهد که بکلی متمایز و مجزی از دادگاه باشد. قاضی تحقیق یکی از چرخهای اصلی عملیات دادرسی مدنی است و نقش او بسیار مهم بوده ولی مستقل از دادگاه نیست اگر بخواهیم او را ببازپرس امور کیفری تشبیه کنیم، قواعد قواعد حقوق مدنی با حقوق جزائی مشتبّه میشود و این نیز گرایشی بیش نیست.

ترتیب رسیدگی وسیله قاضی تحقیق

نقش قاضی تحقیق را بیان کردیم اکنون میخواهیم بدانیم آنرا چگونه انجام میدهد.

-
32. Trib. Civ. Castres, 23 Dec. 1944. J.C.P. 1945. Rev. Jur. Avoués N. 359 obs. Critique RAYNAUD.
 33. Rev. trim. 1945, p. 214. Trib. Civ. Seine 23 Dec. 1949.
 34. Trib. gr. inst. Caen, 23 Jan. 1968. J.C.P. 1968. 11. 1536, 3 bis note J.A.P.

اعمال قاضی تحقیق اصولاً بر دو قسم است . پاره ای جنبه اداری دارد و پاره ای بصورت قضائی میباشد که در اینصورت نامبرده مبادرت بصدور قرار میکند .
اینک هر یک را ذیلاً شرح میدهیم :

الف : وقتیکه قاضی تحقیق در امور دفتری نظارت میکند عمل او بالطبع جنبه اداری داشته و فاقد جنبه قضائی است . کارهای دفتری بسیار ساده بود و تشریفات آن کمتر است مثلاً در مواردی که لوابیح و درخواستهای طرفین را مبادله میکند یا مهلت های لازم را بآنها میدهد ، یا آنها تعدید میکند ، دادخواستهای ادعای طاری را می پذیرد ، تذکراتی بطرفین یا وکلای آنها میدهد : این تذکرات ممکنست بوسیله نامه ساده یا سفارشی صورت گیرد و یا بطور شفاهی باشد که در اینصورت در حاشیه پرونده تذکر میدهد تا بآنان ابلاغ شود و از صدور احضاریه خودداری میکند .

ب : وقتیکه قاضی تحقیق در مورد ایرادات و درخواستهای موقت اظهار نظر میکند یا قرارهای مقدماتی صادر مینماید باید از روی قواعد دادرسی رفتار کند (۳۵) و قراری که صادر میکند باید مستدل بوده و در جلسه رسمی بوسیله منشی و وکلای طرفین صادر شود . سابقاً " در این مورد مخصوصاً آنها را بوسیله احضاریه دعوت میکردند ولی تصویبنامه ۱۹۶۷ دست قاضی را از این حیث باز گذاشت و بهر وسیله که بخواهد میتواند بآنها اطلاع دهد که معمولاً در مورد قرارهای تحقیقاتی بوسیله احضاریه و در مورد قرارهای دیگر بوسیله نامه سفارشی دعوت میکرد ولی تصویبنامه ۱۹۷۱ آنها نیز ساده تر کرد و تصریح نمود (ماده ۹۹) که میتوان طرفین را بوسیله نامه ساده یا بطور سفارشی با درج درحاشیه پرونده احضار نمود . قرار بطور علنی صادر میشود . مدیر دفتر اصل آنها نگهداشته و رو نوشت آنها بطرفین ابلاغ میکند حضور دادستان لازم نیست گر چه مورد ابلاغ شده باشد (۳۶) .

شکایت از قرارهای قضائی تحقیق :

برای تشخیص موارد قابل شکایت باید بتمايز قبلی (اوامر و اقدامات اداری و تصمیمات

35. Trib. gr. inst. Poitiers, 20 Oct 1966, J.C.P. 1966 ed. A N. 4992, ob. J.A.
36. Civ. 2o, 21 Juill 1967, J.C.P. 1961, ed. A. No. 3954.

قضائی) توجه کرد. در صورتیکه عمل جنبه اداری داشته باشد قابل شکایت نیست مگر اینکه قاضی ضمن صدور دستور اداری از اختیارات خود تجاوز کند و با آزادی دفاع افراد اخلاص نماید (۳۷).

وقتیکه قاضی تحقیق تصمیم قضائی میگیرد، معمولاً "قراری صادر میکند (ماده ۴۳). این قرارها قابل اعتراض نبوده ولی در ضمن شکایت از حکم دادگاه قابل پژوهش و فرجام هستند (۳۸).

- ۱- تصمیمات موقت که در مورد دعوی طلاق و تفرقه ابدان صادر میشود و موقتا "قابل اجرا هستند. این قرارها در ظرف پانزده روز پس از ابلاغ بتنهائی قابل پژوهش هستند.
- ۲- قرراهائی که دعوی را خاتمه میدهند مانند قرار سقوط دعوی با گزارش اصلاحی.
- ۳- قرارارجاع امریکارسناس نیز بموجب ماده ۴۳ اصلاحی تصویب نامه ۲۸ آوریل ۱۹۷۲ با تصویب رئیس دادگاه شهرستان قابل پژوهش است (۳۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
37. GIVERDON, op cit. Nos 53, 73 ets. Civ. 20, 28 Oct 1970 D. 1971, Somm, 21.
 38. Civ. 20, 18 fev. 1975. D. 1975. IR. 102.
 39. PARIS, 22 Oct. 1974. J.C.P. 1975, II. 18180. Note Y Assoulin E.